

طراحی فرایند روندپژوهی برای ترسیم دورنمای منطقه غرب آسیا در افق ۱۴۱۴

مهدی احمدیان^۱ و محمدهادی قاسمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

چکیده

منطقه غرب آسیا منطقه‌ای راهبردی بوده و در طول سال‌های اخیر همواره دستخوش دخالت بیرونی و یا تحریک برخی کشورهای منطقه علیه دیگری بوده است. با توجه به اهمیت این منطقه از مناظر مختلف و اثرگذاری آن بر بسیاری از تحولات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی دینی و قومیتی منطقه و فراتر از آن، ترسیم دورنمای آینده غرب آسیا براساس روندهای قبلی شکل گرفته و یا روندهای در حال شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه می‌بایست هم با تغییرات احتمالی آینده وضعیت منطقه، نظام‌های سیاسی و امنیتی و شرایط ثبات و ناپایداری آن آشنا بود تا از غافلگیری راهبردی جلوگیری شود و هم این امر بسیار مهم است که ایران همواره در تغییرات و فعل و انفعالات منطقه، کنشگری مؤثر باشد و بتواند ثبات و امنیت خود را حفظ نماید. از طرفی روندپژوهی یکی از روش‌های علمی برای مطالعه آینده است. این روش با بررسی عوامل و روندهای تأثیرگذار بر آینده، می‌تواند تصویری از آینده احتمالی یک موضوع یا منطقه ارائه دهد. لذا مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان فرایندی طراحی نمود که با استفاده از روندپژوهی، امکان ترسیم دورنمای غرب آسیا فراهم شده و از این طریق، فرماندهان و سیاستگذاران حوزه‌های دفاعی، امنیتی و روابط خارجی کشور بتوانند ضمن پرهیز از غافلگیری، برنامه‌ریزی مؤثر و اثربخشی برای مواجهه با تحولات آتی منطقه داشته باشند. این پژوهش، حدود ۵۰۰ روند را مورد بررسی قرار داده و درنهایت الگویی برای ترسیم دورنمای غرب آسیا براساس فرایند روندپژوهی طراحی و پیشنهاد نموده است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، دورنماسازی، طراحی فرایند، روندپژوهی، آینده‌نگاری.

۱. استادیار گروه آینده‌پژوهی دانشکده مدیریت دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

mhd.ahmadian@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

mh.ghasemi110@ut.ac.ir

مقدمه

غرب آسیا که آسیای غربی یا آسیای جنوب غربی نیز نامیده می‌شود، غربی‌ترین منطقه آسیا است که توسط برخی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و سایر نهادهای سیاسی تعریف شده و در ادبیات روابط بین‌الملل وارد شده است. این منطقه شامل آناتولی، شبه‌جزیره عربستان، ایران، بین‌النهرین، ارتفاعات ارمنستان، شام، جزیره قبرس، شبه‌جزیره سینا و بخش جنوبی منطقه قفقاز (ماوراء قفقاز) بوده و توسط کانال سوئز در مصر از آفریقا و با آبراهه‌های تنگه ترکیه و حوزه آبخیز قفقاز بزرگ از اروپا جدا شده است. آسیای مرکزی در شمال شرقی آن و آسیای جنوبی در شرق آن قرار دارد. دوازده دریا و خلیج منطقه را احاطه کرده‌اند: دریای اژه، دریای مرمره، دریای سیاه، دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، دریای عرب، خلیج عدن، دریای سرخ، تنگه عقبه، خلیج سوئز و دریای مدیترانه. این منطقه شامل اکثریت قریب به اتفاق ناحیه غرب آسیا به‌استثنای بخش عمده‌ای از مصر و بخش شمال غربی ترکیه و شامل بخش جنوبی قفقاز است. غرب آسیا مساحتی برابر با ۹۳۵/۹۹۴ کیلومترمربع با جمعیتی در حدود ۳۱۳ میلیون نفر را پوشش می‌دهد. از ۱۹ کشور عضو سازمان ملل که به‌طور کامل یا جزئی در منطقه قرار دارند، ۱۳ کشور بخشی از جهان عرب هستند. پرجمعیت‌ترین کشورهای غرب آسیا عبارتند از ایران، ترکیه، عراق، عربستان سعودی و یمن (سازمان ملل، ۲۰۲۲).^۱

با ظهور انقلاب اسلامی نگاه حکمرانان کشورهای مختلف به تحولات انقلاب و گفتمان تولیدشده از آن معطوف شد و می‌توان ادعا کرد این انقلاب محاسبات مرسوم منطقه غرب آسیا را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. از یک‌سو کشور ایران یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه بوده و از سوی دیگر قدرت نسبی نظامی و سیاسی آن در این منطقه قابل توجه و اثرگذار بوده است. پیدایش انقلاب اسلامی با گفتمان خاص خود، هم وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه را تحت‌الشعاع قرار داد و هم اثرات فکری، اجتماعی و فرهنگی جدیدی در منطقه ایجاد کرد و گفتمان انقلاب اسلامی را نه تنها در میان همسایگان و کشورهای مجاور، بلکه در میان اغلب کشورهای جهان معرفی نمود. این گفتمان مبتنی بر وحدت کلمه در داخل کشور، استکبارستیزی در خارج از کشور و حمایت از ملت‌های مظلوم در کل عالم بود. شاید در ابتدای انقلاب اسلامی، این گفتمان جزو آرمان‌هایی بود که حتی برخی از سیاستمداران و انقلابیون هم رسیدن به آن را امکان‌ناپذیر

می‌دانستند؛ اما در سال‌های بعد و پس از طی شدن فرازونشیب‌های فراوان، انقلاب اسلامی تبدیل به نظامی قدرتمند و قابل دفاع با آرمان‌هایی شد که دیگر دور از دسترس تلقی نمی‌شدند. بلکه افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، اقبال ملت‌های آزاده و حق‌طلب به‌سوی ایران و وارد شدن جمهوری اسلامی در سخت‌ترین کارزار ایجادشده توسط قدرت‌های بین‌المللی با همکاری برخی از کشورهای ضعیف منطقه که همانا ایجاد جبهه تکفیری و ساخت چهره‌ای خشن و فاقد عقلانیت از اسلام بود، همگی باعث شدند گفتمانی برای مقابله با استکبار و استضعاف ملت‌های غرب آسیا ایجاد شود. گفتمانی تحت عنوان «گفتمان مقاومت» که در بعد نظامی و امنیتی نیز با عنوان «محور مقاومت» وارد معرکه گردید و توانست تا حد بسیار زیادی سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین‌شده نظام سلطه را درهم‌ریخته و با سیاست‌های سلطه‌طلبانه ایشان مقابله کند. لذا این منطقه همواره محل طمع کشورهای سلطه‌جو بوده و برخی از کشورهای منطقه نیز که به هر دلیل خود را با جمهوری اسلامی در تضاد و یا رقابت می‌دیدند، با این کشورها همکاری‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و حتی اقتصادی برقرار کردند تا بتوانند قدرت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای جمهوری اسلامی را محدود کرده و مانع نشر بیشتر گفتمان فرهنگی و سیاسی آن شوند. با توجه به مقدمه یادشده می‌توان اذعان داشت، منطقه غرب آسیا منطقه‌ای راهبردی بوده و همواره دستخوش دخالت بیرونی و یا تحریک برخی کشورهای منطقه علیه دیگری بوده است. لذا ترسیم دورنمای آینده این منطقه از مناظر گوناگون و براساس روندهای شکل‌گرفته از قبل و یا روندهای در حال شکل‌گیری، یکی از مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه می‌بایست هم با تغییرات احتمالی آینده حکمرانی و نظام‌های سیاسی و امنیتی منطقه یادشده آشنا بود تا از غافلگیری جلوگیری شود و هم برای جمهوری اسلامی ایران این امر بسیار مهم و راهبردی است که همواره در تغییرات و فعل‌وانفعالات منطقه، کنشگر مؤثری باشد و بتواند ثبات و امنیت خود را حفظ نماید. لذا مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان فرایندی طراحی نمود که با استفاده از روندپژوهی، دورنمای منطقه غرب آسیا را ترسیم نماید و از این طریق، حکمرانان و سیاستگذاران حوزه بین‌المللی و امنیتی کشور بتوانند ضمن پرهیز از غافلگیری، برنامه‌ریزی مؤثر و اثربخشی برای مواجهه با تحولات آتی منطقه داشته باشند.

مبانی نظری

پیشینه پژوهش

براساس مرور و مطالعات اسنادی انجام‌شده درخصوص موضوع پژوهش و بررسی آثار علمی منتشرشده قبلی، پژوهش‌های مختلفی حول موضوعات: حکمرانی غرب آسیا، ترسیم مناسبات آینده و دورنمای وضعیت غرب آسیا، عوامل مؤثر بر ثبات و پایداری این منطقه، آینده محور مقاومت و... شناسایی گردیدند. البته در میان این پژوهش‌ها موارد معدودی ناظر به مباحثی چون ترسیم دورنمایی از منطقه غرب آسیا با استفاده از روندپژوهی بوده‌اند و اکثر پژوهش‌های انجام‌شده، همگی سعی در شناسایی وجهی از وجوه مختلف آینده این منطقه و بدون نگاه کلان به ترسیم دورنمای منطقه داشته‌اند که بخشی از پیشینه در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگران	عنوان اثر	سال نشر	اهم مباحث
۱	هوشنگ بختیاری و همکاران	بررسی ابعاد و زمینه‌های اتحاد راهبردی کشورها و جنبش‌های محور مقاومت	۱۴۰۲	بررسی و امکان‌سنجی تشکیل اتحاد راهبردی میان کشورها و گروه‌های محور مقاومت با روش مصاحبه خبرگانی و وزن‌دهی نرم‌افزاری.
۲	محمد رحیم عیوضی و محمدهادی قاسمی	چرایی و پیدایی محور مقاومت و تحلیل ساختاری مسائل مرتبط از منظر آینده‌نگاری راهبردی	۱۴۰۱	آینده‌نگاری وضعیت جبهه مقاومت در دهه آینده و تحلیل مسائل راهبردی اثرگذار بر آن.
۳	محسن نوروزی و داوود فیاضی	امنیت غرب آسیا و سناریوهای محتمل در افق ۱۴۰۴	۱۴۰۰	مطابق نتایج این تحقیق، دو عدم قطعیت کلیدی «درگیری‌های نظامی و منازعات مسلحانه» و «هسته‌های نظامی منطقه‌ای» به تدوین سه سناریو مهم برای آینده امنیت منطقه منجر شده است.
۴	محسن نوروزی و همکاران	آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی عراق و لبنان	۱۴۰۰	بررسی عوامل مؤثر بر محور مقاومت و تبیین وضعیت آینده آن با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی عراق و لبنان.
۵	محسن جان‌پرور و	تبیین نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در	۱۴۰۰	با توجه به نقش مهمی که ایران در منطقه غرب آسیا دارد شاهد شکل‌گیری نظم جدید

ردیف	پژوهشگران	عنوان اثر	سال نشر	اهم مباحث
	همکاران	امنیت منطقه غرب آسیا		منطقه‌ای هستیم که در این نظم توانسته تا حدودی امنیت را به منطقه غرب آسیا بازگرداند.
۶	محمد رثوف حیدری‌فر	ساختار چندقطبی و معادلات جدید منطقه غرب آسیا در سلسله‌مراتب روابط ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم	۱۳۹۹	در فضای ژئوپلیتیکی پیش‌رو، اهمیت منطقه غرب آسیا از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی چند برابر خواهد شد. لذا ابعاد مختلف این موضوع در این پژوهش بررسی شده است.
۷	محمدصادق کوشکی و سید مهدی نبوی	آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی	۱۳۹۹	استفاده از روندپژوی به‌منظور ترسیم آینده جبهه مقاومت و نقش بازیگران مؤثر در آن.
۸	محمد رحیم عیوضی و فرشته میرحسینی	سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰	۱۳۹۸	ارائه سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی ایران با استفاده از نظریه کارگزار و ساختار.
۹	سامره یعقوبی و همکاران	شناسایی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی در منطقه جنوب غرب آسیا	۱۳۹۸	توجه به واگرایی منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا و بررسی عواملی از قبیل حمایت کشورهای غربی از تهاجم عربستان به یمن.
۱۰	محسن رستمی و همکاران	رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار در بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا	۱۳۹۸	منطقه غرب آسیا در آینده دچار بحران‌های ژئوپلیتیکی مختلفی است که از این بحران‌ها می‌توان به مواردی نظیر ظهور گروه‌های تکفیری، رقابت و کشمکش بین کشورهای همجوار، رقابت‌های ایدئولوژیکی، بحران قومیت‌ها و گسست‌های فرهنگی اشاره کرد.
۱۱	مسعود اخوان کاظمی و	آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر	۱۳۹۷	با بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌پژوهی شامل روندپژوهی و برهمکنش روندها و پیش‌رآنها،

ردیف	پژوهشگران	عنوان اثر	سال نشر	اهم مباحث
	همکاران	منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا		به سناریوپردازی در مورد وضعیت آینده غرب آسیا اشاره کرده است.
۱۲	سهیل عنایت‌الله و همکاران	مقاله چشم‌اندازها و سناریوهای حکمرانی دموکراتیک در آسیا ۲۰۳۰	۲۰۱۴	بررسی سناریوهای آینده حکمرانی دموکراتیک در آسیا با استفاده از رویکرد تحلیل علی لایه‌ای.

با بررسی پیشینه پژوهش که بخشی از آن در جدول فوق منعکس شده است، جمع‌بندی زیر حاصل شده است:

- اهمیت بسیار زیاد منطقه غرب آسیا و تحولات فعلی و آینده این منطقه در نظر حکمرانان؛
- سرعت بالای تغییرات در غرب آسیا و ناپایداری برخی از دولت‌ها و سیاست‌های اتخاذشده ایشان درخصوص روابط بین‌المللی منطقه؛
- لزوم آینده‌نگری و بررسی وضعیت آینده محور مقاومت به‌عنوان ابتکار و دست بالای جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در استحکام امنیت ملی؛
- نیاز سیاستمداران و طراحان دیپلماسی خارجی، مدیران و فرماندهان امنیتی و دفاعی کشور به داشتن نگاه و رویکرد آینده‌محور درخصوص شناسایی وضعیت‌های آتی غرب آسیا و پیامدهای آن بر محور مقاومت؛
- ضرورت توجه به بازیگران فعال منطقه و شناخت آینده نقش ایشان در تحولات آتی و اهمیت رتبه‌بندی پیش‌رآنها و عوامل اثرگذار بر آینده منطقه؛
- فقدان تصویرسازی و دورنماسازی از آینده وضعیت غرب آسیا و کنشگران رسمی و غیررسمی در آن به‌طور مشخص.

با بررسی نتایج به‌دست آمده از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش، به‌نظر می‌رسد ترسیم دورنمای آینده غرب آسیا برای جمهوری اسلامی ایران امری مهم بوده و این موضوع می‌بایست براساس یک فرایند و مکانیزم پویا و قابل اعتماد انجام شود. لذا پژوهش حاضر با همین هدف انجام شده و در آن سعی گردیده با طراحی فرایندی مبتنی بر روندپژوهی، امکان ترسیم دورنما و طراحی گام‌های مرتبط با آن و استخراج و نتایج مؤثری برای شناخت، ترویج و توسعه اشراف بر آینده این منطقه برای پژوهشگران و مدیران مرتبط با این موضوع فراهم شود و از این طریق نگاه مناسبی برای رصد و پیگیری تحولات آتی منطقه به مدیران ارشد، فرماندهان دفاعی و امنیتی و

سیاست‌گذاران کشور، ارائه گردد.

ادبیات مفهومی

نظام بین‌الملل به‌عنوان امری پویا همواره در حال تغییر است. تا ورود به قرن بیستم، جهان سیاسی در شرایطی قرار داشت که نظام خاصی بر کل آن حاکم بود، اما پس از جنگ جهانی دوم، کشور آمریکا و شوروی جهان را به دو قطب تقسیم کردند و بلوک شرق و غرب را به وجود آوردند؛ این جهان دوقطبی تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ادامه داشت. پس از افول قدرت روسیه، آمریکا تنها کشور قدرتمند در عرصه جهانی باقی ماند و تقریباً کل دنیا را در سیطره تصمیمات و قدرت خود به‌ویژه در عرصه نظامی قرار داد. در این میان خاورمیانه در کانون توجه آمریکا قرار گرفت و نکته جالب‌تر اینکه هژمونی تک‌قطبی در خاورمیانه به مرحله بلوغ رسید، یعنی بستری که باعث شده نظام تک‌قطبی به مرحله بلوغ خود برسد و آن حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث و اشغال این کشور بود؛ اما باید توجه داشت که این نظام نیز مانند سایر نظام‌های سیاسی دنیا تغییر می‌کند. نشانه‌های تغییر نظام تک‌قطبی در جهان با نمایان شدن قدرت‌های نوظهور در حال شکل‌گیری است و این روند در خاورمیانه نیز با پیشاهنگی چین به‌ویژه در عرصه تجاری و اقتصادی در جریان است (حیدری‌فر، ۱۳۹۹). بسیاری از اندیشمندان روابط ایالات‌متحده و جمهوری خلق چین را مهم‌ترین روابط دوجانبه از منظر تأثیرات و پیامدهای آن بر آینده سیاست و نظام بین‌الملل تلقی می‌کنند. تلقی مزبور تا حدود زیادی صحیح می‌نماید زیرا روابط پدیدار شده از یکسو در فضای پساجنگ سرد رخ نموده است که دوران گذار را تجربه می‌کند و از سوی دیگر مسائل همگرایانه و واگرایانه متعددی در روابط جاری دو کشور وجود دارد که به‌نحوی بالقوه می‌تواند فرایندهای کلان بین‌المللی را از خود متأثر کند و بر موقعیت قدرت‌های برتر جهانی و آزادی عمل این دسته از کنشگران قدرت‌طلب تأثیرات ژرفی را برجای گذارد و دو کشور را به‌سمت یک نظام جهانی، با ماهیت مدل دو/چندقطبی سوق دهد. ازاین‌رو، پایش تحولات روابط این دو کنشگر برتر می‌تواند در فهم روندهای کنونی و حتی آتی سیاست بین‌الملل مؤثر واقع شود. نکته مهم و قابل‌توجه این است که چون در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ و سیاست آنها نقش تعیین‌کننده‌ای را به‌خود اختصاص داده‌اند، شناخت این سیاست‌ها و رفتارها برای جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ راهبردهای مطلوب و بهینه در عرصه سیاست خارجی بسیار مهم است (نوروزی و غله‌پور، ۱۴۰۰). با توجه به شرایط فوق و سرعت

بالای تغییر و تحول در منطقه غرب آسیا، این منطقه بیش‌ازپیش دارای اهمیت بوده و بازیگران، کنشگران و پیش‌رآنهای مختلفی در منطقه وجود دارند که پرداختن به آنها برای ترسیم دورنمای منطقه ضروری است و این موارد باعث شده‌اند غرب آسیا به منطقه‌ای ژئواستراتژیک تبدیل شود.

ساختار نظام حکمرانی منطقه غرب آسیا

تغییرات مهم در نظام حکمرانی منطقه غرب آسیا با بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰ آغاز شد. مصر و سوریه که بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا بودند به‌عنوان مراکز قدرت متوقف شدند. بیداری اسلامی زمینه را برای رقابت مدل‌های مختلف ایرانی، ترکی و سعودی به‌منظور توازن قدرت جدید در منا ایجاد کرد. مدل ایرانی خود را در تقابل با آمریکا و رژیم صهیونیستی، به‌عنوان «محور مقاومت» معرفی می‌کند. عربستان سعودی در جستجوی ایجاد نظم منطقه‌ای جدید با عضویت رژیم صهیونیستی و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است؛ این نظم مبتنی بر آموزه‌های وهابی است که بر دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه تأکید دارد (صلواتیان، ۲۰۱۵، ص. ۱۴۵). مدل ترکی مبتنی بر محبوبیت ترکیه به‌دلیل موفقیت اقتصادی و عملکرد سیاست خارجی آن است؛ بنابراین ویژگی ثابت نظام منطقه‌ای غرب آسیا از زمان پایان جنگ جهانی دوم چندقطبی بودن است. در چنین سیستمی زمانی که یکی از قدرت‌ها بیش‌ازحد رشد کنند سایر بازیگران تلاش می‌کنند با آن مقابله کنند (لیتواک و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۵۳).

محور مقاومت

واژه محور مقاومت را می‌شود از دو منظر تعریف کرد: در منظر نخست، محور مقاومت یک «ائتلاف ژئوپلیتیک» منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، سوریه و عراق) و غیردولتی (حزب‌الله، حماس، انصارالله و جهاد اسلامی) است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک هستند. تعریف دومی که می‌توان از محور مقاومت ارائه داد؛ تعریفی گفتمانی است. مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی تعریف گفتمان مقاومت، وجوهی چون عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، حق‌طلبی، اقتدار و عزت، آزادی و استقلال‌طلبی، توجه ویژه به عقلانیت، معنویت‌گرایی و آرمان‌گرایی در کنار واقع‌بینی است (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۳، ص. ۷۳).

غرب آسیا و مسائل راهبردی موجود در آن

می‌توان ادعا کرد منطقه غرب آسیا به‌عنوان مهم‌ترین و درعین‌حال پرآشوب‌ترین و بحرانی‌ترین منطقه جهان به‌شمار رفته و تحولات آن به‌گونه‌ای مؤثر، تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. ژئوپلیتیک منطقه هم در طی یک‌صد سال گذشته همواره در معرض تغییر و تحول قرار داشته و

بازیگران رسمی و غیررسمی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آینده منطقه غرب آسیا را در حالت ابهام و وضعیت نامعلومی قرار داده‌اند. از جمله جریان‌ها و بازیگران غیررسمی که در دهه اخیر نقش بسیاری در منطقه ایفا کرده و هرروز نیز بر دامنه نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان گروه‌های «تکفیری» است. جریانات تکفیری در جهان اسلام از ابتدای پیدایش، به‌منظور احیای خلافت اسلامی در پهنه سرزمین‌های اسلامی فعال بوده‌اند؛ لذا اقدامات تروریستی این گروه‌ها، به‌ویژه «داعش» و «جبهه النصره» در کشورهای لبنان، عراق و سوریه و آنچه از سوی این جریان‌ها به منصف ظهور می‌رسد و حمایت‌های رسمی و غیررسمی برخی کشورهای منطقه و خارج از منطقه از این جریان‌ها، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دنیای اسلام است که منطقه غرب آسیا را وارد مرحله جدید و سرنوشت‌سازی کرده است. بحران‌ها و تغییر و تحولات مداوم سرزمینی در کشورهای کانونی بحران (عراق و سوریه) با نقش‌آفرینی بازیگران رسمی و غیررسمی در این کشورها، همچنین نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روندهای موجود، وجود پیش‌سرانهای مختلف و بعضاً متضاد در مهار یا گسترش بحران، از مسائلی است که پایداری حکمرانی در این منطقه را متزلزل کرده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران

مؤلفه‌های قدرت ملی ایران از جمله برخورداری از یک دولت ملی قوی، موقعیت ژئوپلیتیک و عنصر ایدئولوژی به شکلی است که به ایران نقش ممتازی در مسائل منطقه‌ای می‌دهد. ارزش استراتژیک ایران به دلیل عواملی در منطقه غرب آسیا است که سبب‌ساز موقعیت ایران در قالب بازیگری منطقه‌ای می‌گردد و این تمرکز بر منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران به‌طور خودکار منافع ملی ایران را در بلندمدت به‌دنبال خواهد داشت. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم و اساسی در منطقه غرب آسیا نه‌تنها الزاماً به ایفای نقش می‌پردازد، بلکه در جهت تقویت نقش و افزایش منافع ملی به اتخاذ تصمیم مبادرت می‌کند. از این‌رو از جمله مهم‌ترین فرصت‌های ایران، موقعیت جغرافیایی شیعیان است. با نگاهی به نقشه جغرافیایی تشیع مشخص می‌شود که ایران در قلب قلمروهای شیعی جهان قرار گرفته است و شیعیان پیرامون ایران، بسان لایه‌هایی آن را احاطه کرده‌اند. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران نقطه عطفی را در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. از دید جغرافیایی نیز ایران یکی از وسیع‌ترین و

پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که با موقعیتی منحصر به فرد بین دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است و بنابراین می‌تواند به یک کانون قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیک بانفوذ قابل توجه بر همسایگانش تبدیل گردد (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳، ص ص. ۸۸-۸۷).

آینده‌نگاری

آینده‌نگاری^۴ به نوعی روشن کردن این موضوع است که اقدامات و تصمیمات حاضر به چه آینده‌های ممکن یا احتمالی منجر خواهد شد و چگونه می‌توان در مسیر تحقق آینده مطلوب حرکت کرد. در رویکرد کلاسیک نگاه به آینده، هدف فقط پیش‌بینی یک آینده مشخص بود اما در آینده‌پژوهی از انواع آینده‌ها سخن گفته می‌شود. گوردون این رویکرد را «آینده‌های چندگانه» یا «آینده‌های جایگزین» نامیده است (گوردون، ۱۹۹۴)^۵. این نوع نگاه به آینده تحت عناوین مختلفی از جمله «آینده‌نگاری»، «آینده‌پژوهی» و «آینده‌نگاری راهبردی»^۶ توسعه یافته است. آینده‌نگاری راهبردی، رویکردی هنجاری و توصیفی است که رابطه نزدیکی با مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دارد. آینده‌نگاری راهبردی رویکردی است که عدم قطعیت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری راهبردی را در نظر گرفته و کمک می‌کند که قلمروی ناشناخته‌ها در این فرایند کاهش یابد. این رویکرد: ۱. تحلیل روندهای داخلی و خارجی را با یکدیگر ترکیب می‌کند؛ ۲. فرایند اتخاذ راهبرد را تسهیل می‌کند؛ ۳. از تصمیم‌گیری راهبردی پشتیبانی می‌کند و ۴. برنامه‌ریزی خلاقانه را موجب می‌شود. یکی از این روش‌های نظام‌مند را میشل گوده^۷ آینده‌پژوه فرانسوی معرفی کرده است و در آخرین نسخه این روش، آینده‌نگاری راهبردی را متشکل از سه مرحله اصلی دانسته است: تفکر جمعی، کسب آمادگی برای اقدام و اقدامات بعدی (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶).

روند، روندپژوهی و تحلیل اثر روند

آینده‌پژوهی به صورت کلی بر روندپژوهی و سناریونویسی استوار است. روندپژوهی، پژوهشی به منظور استنباط، توصیف، تحلیل و جهت‌دهی روندها برای ساختن آینده مطلوب است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹). هدف اصلی روندپژوهی، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است (بوداقتی، خلیلی و حیدری، ۱۳۹۸، ص. ۸۵). روندپژوهی خصوصاً برای سیستم‌های اجتماعی کاربرد دارد و

4. Foresight

5. Gordon, 1994

6. Strategic Foresight

7. Michel Godet

برای تحلیل سناریوها از اهمیت بالایی برخوردار است (Glemen et al., 2012, p. 8).

روند در یک تعریف ساده عبارت است از گرایش، جهت یا الگوی تغییر از گذشته تا حال که قابلیت تعمیم به آینده را دارد. روندپژوهی، پژوهشی کاربردی درباره روندها است که از استنباط و تحلیل روند تا پیامدسنجی و توصیه‌نگاری مبتنی بر روندها را در بر می‌گیرد. اعتنا کردن به روندها، جزو حداقل الزامات تصمیم‌گیری آینده‌نگر است. روندها همه چیز را نشان نمی‌دهند، اما زیربنایی‌ترین دلالت‌های مبتنی بر واقعیت را بیان می‌کنند که نادیده گرفتن آنها سبب مؤاخذه مدیران و تصمیم‌سازان خواهد شد. روندها به دلیل ریشه داشتن در گذشته و تداوم در حال و برخوردار بودن از شواهد و دلایل قوی درباره چرایی و چگونگی تداومشان، از جمله اطمینان‌بخش‌ترین عناصر در تصویرسازی از آینده هستند. اگرچه تداوم روندها تصویری نسبتاً اطمینان‌بخش را ارائه می‌کند، همین روندها هم باید در مواجهه با رویدادهای پدیده‌ها و برهم‌زننده روند بررسی شوند؛ بنابراین با همه اهمیت و بدهتی که روندها دارند، نمی‌توان به آنها اکتفا کرد. فراتر از آنها، باید به شواهد حاکی از شکل‌گیری جریان‌ها و پدیده‌های جدید هم توجه جدی داشت و حتی به آینده‌هایی اندیشید که اکنون شواهد قوی برای تحقق آنها وجود ندارد. دیگر روش‌ها و فنون آینده‌پژوهی در این امور به یاری پژوهشگر می‌آیند. تعریف روند در آینده‌پژوهی عبارت است از «الگوی ذهنی از روابط بین رویدادها که جهت‌گیری آینده را نشان می‌دهد» (پدارم و احمدیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۸).

روندها در سطوح و قلمروهای مختلفی قابل بررسی هستند. الگوهای تغییر در سطوح پایین و مسائل جزئی‌تر را می‌توان بررسی و تجمیع کرد تا به الگوی تغییر در سطح کلان رسید. از این‌رو در معرفی روندها، از اصطلاحاتی مانند میکرو یا مگا استفاده می‌شود تا ریزروند و کلان‌روند را توصیف کند. یک کلان‌روند، تبیین‌گر الگوی تغییر در چندین روند و ریزروند است. این نوع دسته‌بندی و مرتبط ساختن روندها، به فهم بهتر تغییر کمک می‌کند، اما الزاماً به ارتباطی متقن بین روندها نمی‌انجامد که خطوط فاصل دقیق بین روندهای جزئی و کلی را روشن کند. باید توجه داشت که با این دیدگاه، یک کلان‌روند الگویی باثبات‌تر از تغییر را نشان می‌دهد تا یک ریزروند. به همین دلیل گاه برای تعریف کلان‌روند گفته می‌شود که این همان روندی است که از بقیه باثبات‌تر است؛ درحالی‌که این معلول نام‌گذاری است نه علت آن. همچنین یادآور می‌شود که کلان‌روند صرفاً مربوط به یک سطح جهانی (مربوط به کل کره خاکی) نیست. با تعریفی که ارائه

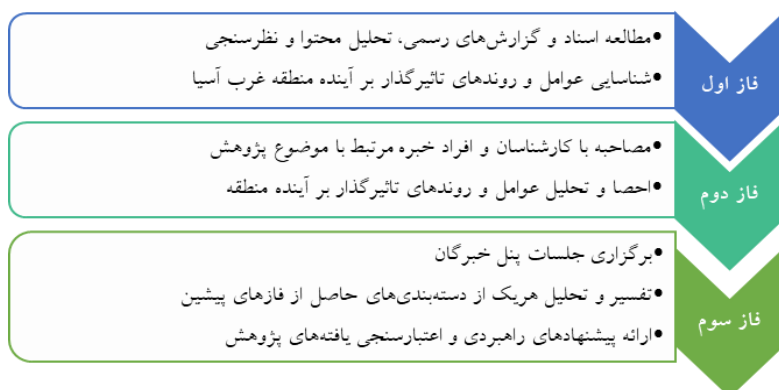
شد می‌توان کلان‌روند را در قلمرو منطقه‌ای همچون منطقه غرب آسیا هم داشت، به‌گونه‌ای که هم تبیین‌گر مجموعه‌ای از روندهای جزئی‌تر بشود و هم از ثبات بالایی برخوردار باشد.

تحلیل اثر روند روشی برای پیش‌نگری است و اجازه می‌دهد استنتاج از روندهای تاریخی از نقطه‌نظر انتظارات مربوط به آینده جرح و تعدیل یابد. این روش به تحلیلگر اجازه می‌دهد روند مشخصی را دنبال کرده و اثرات رخدادهای احتمالی آینده را که مهم هستند، به‌صورت نظام‌مند بررسی کند. این رخدادهای می‌توانند بازه‌ای وسیع به‌منظور در برگرفتن و شمول تغییرات فناوری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ارزش‌محور داشته باشند. تحلیل اثر روند، روشی برای تحلیل پیامدهای توسعه‌های آینده در این روند آینده است (Glenn & Gordon, 2009, p. 205).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر تقسیم‌بندی نوع، جزو پژوهش‌های کاربردی است و در آن سعی شده با استفاده از بسترهای شناختی و معلومات موجود، برای رفع ابهامات و نادانسته‌ها و توسعه کاربردی موضوع مورد پژوهش، گام برداشته شود. همچنین پژوهش با رویکرد کیفی، به‌دنبال جمع‌آوری داده‌ها برای مفهوم‌سازی و ارائه تحلیل‌های تجویزی بوده و به‌منظور گردآوری داده‌ها از مرور اسنادی و مصاحبه با خبرگان استفاده شده است. برای وصول به نتایج مدنظر پژوهش و با توجه به اینکه رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) در این پژوهش غالب بوده است، روش نمونه‌گیری با انتخاب هدفمند نمونه‌ها در دستور کار قرار گرفت و پژوهش با استفاده از دیدگاه‌های ۱۰۰ نفر خبره شامل اساتید و مدیرانی از ستاد کل نیروهای مسلح، دانشگاه تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی و برخی مدیران دولتی شاغل در وزارت کشور و امور خارجه، به سرانجام رسیده است. افق زمانی پژوهش حاضر تا انتهای سال ۱۴۱۴ و قلمرو مکانی آن منطقه غرب آسیا بوده است.

روش اصلی مدنظر در این پژوهش، روندپژوهی است. روندپژوهی یکی از روش‌های علمی برای مطالعه آینده است. این روش با بررسی عوامل و روندهای تأثیرگذار بر آینده، می‌تواند تصویری از آینده احتمالی یک موضوع یا منطقه ارائه دهد. لذا به‌منظور راهبری بهتر پژوهش و رسیدن به طراحی فرایند ترسیم دورنمای غرب آسیا، در ادامه فرایند تحقیق، مسیر زیر مطابق با نمودار (۱) طی شده است.



نمودار ۱. فازهای انجام شده برای استقرار پژوهش حاضر

- **مطالعه اسناد و گزارش‌های رسمی:** این فاز شامل مطالعه کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، و سایر منابع رسمی بوده است.
- **مصاحبه با کارشناسان و متخصصان:** فاز یادشده مشتمل بر مصاحبه با کارشناسان و متخصصان در زمینه‌های مختلف مرتبط با موضوع تحقیق بوده است.
- **برگزاری جلسات پنل خبرگان و تفسیر و تحلیل یافته‌ها:** این فاز نیز شامل برگزاری جلسات پنل خبرگان و هم‌اندیشی با کارشناسان و متخصصان برای بحث و تبادل نظر در مورد موضوع تحقیق و نحوه طراحی فرایند روندپژوهی برای رسیدن به اهداف تحقیق بوده است.

در فاز اول، عوامل و روندهای تأثیرگذار بر آینده منطقه غرب آسیا شناسایی گردیده‌اند. این عوامل شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و محیطی هستند. برای شناسایی عوامل فوق، از روش‌های تحلیل محتوا و نظرسنجی استفاده شده است.

در فاز دوم، عوامل و روندهای تأثیرگذار احصا شده قبلی، تحلیل شده‌اند. این تحلیل شامل بررسی تأثیرات متقابل عوامل و روندها و شناسایی روندهای غالب با کمک پنل خبرگان بوده است.

در فاز سوم، با برگزاری جلسات پنل خبرگان، تفسیر و تحلیل هریک از دسته‌بندی‌های حاصل از فازهای پیشین و ارائه پیشنهادهاى راهبردى و اعتبارسنجى یافته‌هاى پژوهش انجام شده است.

تجزیه و تحلیل این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحقیق مختلط (ترکیبی) بوده است. رویکرد تحقیق مختلط، از ترکیب روش‌های تحقیق کیفی و کمی به‌منظور به‌دست آوردن یک تحلیل

جامع‌تر و تفصیلی‌تر از مسائل استفاده می‌کند. این رویکرد در تحقیقاتی که قصد دارند از نظر اعمال مشکلات یا تفاوت‌ها میان داده‌های کمی و کیفی، بهترین استفاده را ببرند، بسیار مؤثر است. نحوه استفاده از رویکرد تحقیق مختلط در انجام روندپژوهی و تصویرسازی آینده در غرب آسیا به شرح مراحل زیر بوده است:

• طراحی معماری فرایند:

- تعریف اهداف: ابتدا اهداف فرایند روندپژوهی مشخص گردید. این اهداف با نیازهای منطقه غرب آسیا و چشم‌انداز آینده‌ی آن همخوانی دارند.
- شناسایی عوامل کلیدی: عوامل کلیدی مؤثر بر منطقه شناسایی گردید. این عوامل شامل مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امنیتی و... هستند.
- مدل‌سازی فرایندها: با استفاده از ابزارهای مدل‌سازی، فرایندهای مرتبط با روندپژوهی مدل شده‌اند. این کار کمک می‌کند تا جریان کاری و تصمیم‌گیری‌ها بهتر درک شوند.

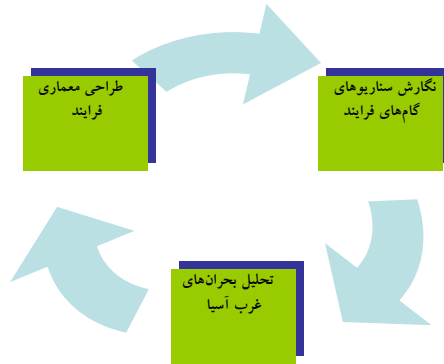
• نگارش سناریوهای گام‌های فرایند:

- تعیین سناریوهای ممکن: برای هر یک از عوامل کلیدی، سناریوهای مختلفی در نظر گرفته شد. این سناریوها شامل بهترین، بدترین و محتمل‌ترین حالت‌ها برای طی کردن گام‌های فرایند بوده‌اند.
- تحلیل پیامدها: پیامدهای هر سناریو و گام‌های آن بررسی و تأثیر آنها بر منطقه غرب آسیا تحلیل شده است.
- ارائه راهکارها: برای هر گام، راهکارهایی ارائه شده است که به بهبود و دقت فرایند کمک می‌کنند.

• تحلیل بحران‌های منطقه غرب آسیا:

- بررسی تاریخی: تاریخچه بحران‌های منطقه را مورد بررسی قرار داده و الگوهای تکرارشونده شناسایی گردیدند.
- تحلیل گرایش‌های کنونی: گرایش‌های فعلی منطقه تحلیل و چگونگی اثرات آنها بر آینده بررسی شده است.
- پیش‌بینی آینده: با استفاده از داده‌های تاریخی و تحلیل‌های کنونی، پیش‌بینی‌هایی در مورد آینده منطقه تهیه گردیده است.

- تحلیل نقاط قوت و ضعف: نقاط قوت و ضعف داده‌ها و فرایند طراحی شده مجدداً تحلیل و کل فرایند مورد بازبینی قرار گرفته است.



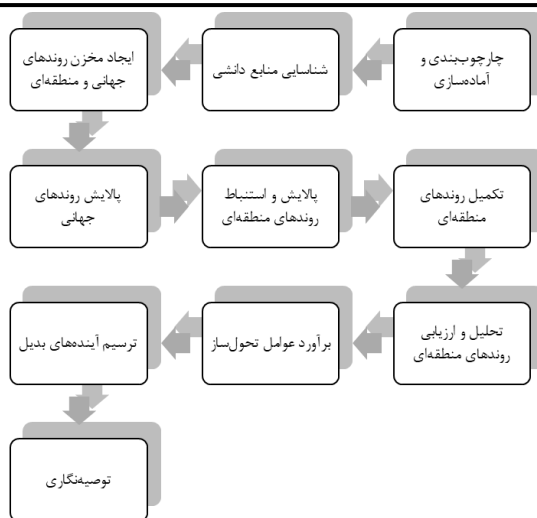
نمودار ۲. مراحل تجزیه و تحلیل پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

این پژوهش برای پاسخگویی به نیاز سطح راهبردی مراکز دفاعی و امنیتی کشور و سیاست‌گذاران مؤثر در این حوزه انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر، تصویرسازی از آینده منطقه غرب آسیا در افق زمانی ۱۴۱۴ مبنی بر روندهای منطقه‌ای است. هر چند عنوان و هدف پژوهش معطوف به روندها است، اما از فعالیت‌های کمکی هم برای بهبود تصویر آینده استفاده می‌شود. منظور و مقصود اصلی از این کار، یاری‌رساندن به طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی بلندمدت نظام حکمرانی به‌ویژه در حوزه دفاعی و امنیتی است. بدون شک می‌توان پژوهش‌های مکمل و حرفه‌ای‌تر برای نیل به این منظور انجام داد که باید در آینده در دستور قرار گیرد. نتایج و یافته‌های پژوهش، گام‌هایی را برای طراحی فرایند روندپژوهی و ترسیم دورنمای منطقه غرب آسیا پیشنهاد می‌دهند که این گام‌ها و نحوه طراحی فرایند، در ادامه مباحث آورده شده است.

طراحی فرایند: گذر از برون‌یابی روند برای پرهیز از غافلگیری

مسیر و گام‌های این پژوهش از تلفیق فعالیت‌های اصلی روش روندپژوهی با روش سناریوپردازی ایجاد شده است. به این معنا که روندپژوهی مبنای کار قرار گرفته و برای ترسیم تصویر آینده با بهره‌گیری از اصول سناریونویسی استنتاجی، عواملی تحول‌ساز منظور شده‌اند که بتوان با در نظر داشتن آنها به آینده‌های بدیل و نگارش روایت‌های آینده پرداخت (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴). نمودار (۳) طرح کلی مسیر استقرار یافته‌های پژوهش را نمایش می‌دهد.



نمودار ۳. فرایند استقرار یافته‌های پژوهش

گام ۱. چارچوب‌بندی و آماده‌سازی

با بررسی و سنجش نیاز بهره‌برداران احتمالی پژوهش، قلمرو مکانی، قلمرو زمانی، روش اصلی پژوهش و درنهایت عنوان آن مشخص گردید. لازم به ذکر است اگرچه عنوان پژوهش در بردارنده عبارت «غرب آسیا» است؛ گستره جغرافیایی مورد نظر شامل افغانستان و پاکستان نیز می‌شود. در این قلمرو، حوزه‌های موضوعی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی مشخص شدند که برای هر یک مجموعه‌ای پژوهشگر تخصیص داده شد. ضمن برنامه‌ریزی زمانی پژوهش، مراحل کلی تعیین شدند و مقرر گردید در کنار مطالعات و مرور اسناد، ارائه یافته‌ها به خبرگان و تعامل با ایشان نیز در دستور کار باشد.

گام ۲. شناسایی منابع دانشی

بررسی اسناد علمی داخلی و خارجی برای برشمردن روندها و کلان‌روندهای منطقه‌ای و جهانی، فعالیت بعدی مطالعاتی تیم پژوهش بود. منابع در بردارنده این محتوا در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، محیط‌زیستی و علمی - فناورانه شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. در این راستا با بهره‌گیری از گزارش‌های معتبر مراکز علمی و فکری سرشناس، مخزنی از اسناد مرتبط ایجاد شد.

گام ۳. ایجاد مخزن روندهای جهانی و منطقه‌ای

پس از ایجاد مخزن اسناد علمی، مطالعات محتوایی آغاز شد و با استخراج روندها و سایر نکات مهم اسناد، مخزنی از روندهای جهانی و منطقه‌ای تشکیل شد. این روندها که ابتدا

تقسیم‌بندی سندمحور داشتند، با مطالعه و بررسی تخصصی، ذیل دسته‌های موضوعی (سیاسی، اقتصادی و ...) جای گرفتند. قابل ذکر است که مخزن روندهای جهانی بسیار بزرگ‌تر و غنی‌تر بود و روندهای منطقه‌ای که به تحولات منطقه غرب آسیا بپردازند انگشت‌شمار بودند.

گام ۴. پالایش روندهای جهانی

مخزن روندهای جهانی دارای روندهایی بود که شیوه بیان و مبانی متفاوتی داشتند. همچنین برخی روندها در منابع متعددی تکرار شده بودند، اما الزاماً توصیف و توضیح آنها یکسان نبود. از این رو ضمن حذف موارد تکراری و هم‌پوشانی روندها، برای عموم آنها بیان رساتری انتخاب شد. همچنین روندهایی که خرد به نظر می‌رسیدند با یکدیگر تجمیع و ذیل کلان‌روند قرار داده شدند تا در بررسی‌های بعدی، کار راحت‌تر انجام شود.

گام ۵. پالایش و استنباط روندهای منطقه‌ای

با توجه به محدود بودن روندهای منطقه‌ای در اسناد علمی، از روندهای جهانی برای الگوگیری و استنباط روندهای منطقه‌ای استفاده شد. برای مثال، پیری جمعیت و اثر آن بر شکل هرم جمعیتی و پیامدهایش بر امور اقتصادی و بهداشتی جامعه، به‌جز مناطقی خاص، در اکثر کشورهای جهان رواج دارد. همین روند در منطقه غرب آسیا نیز قابل بررسی و تعمیم است. در این گام برخی روندها عیناً در منطقه تکرار می‌شدند و برخی دیگر با تغییراتی، قابل تعمیم بودند.

گام ۶. تکمیل روندهای منطقه‌ای (با تأکید بر روندهای کشورهای «کمتر برخوردار»)

با توجه به اینکه در اکثر اسناد علمی مطالعه‌شده، تغییر و تحول جوامع و کشورهای «کمتر برخوردار» به‌ویژه در منطقه غرب آسیا کم‌رنگ دیده شده بود، نیاز بود که الگو و جهت‌گیری تغییر در این جوامع به‌طور جداگانه بررسی شود. در اینجا با مراجعه مستقیم به شواهد و مدارک، کشورهای ضعیف منطقه نیز بررسی شدند. برای مثال درحالی‌که در حوزه روندهای اقتصادی منطقه، اغلب به اقتصاد و فناوری کشورهایی همچون عربستان و رژیم صهیونیستی توجه شده است، در این گام به کشورهایی همچون عراق، سوریه و یمن پرداخته شد. این کار به‌نوعی پذیرفتن تقسیم‌بندی شمال-جنوب با معیار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ که در ادبیات این پژوهش به مناطق بیشتربرخوردار و کمتربرخوردار تعبیر شده است.

گام ۷. تحلیل و ارزیابی روندهای منطقه‌ای

روندهای استنباط‌شده توسط پژوهشگران مختلف ذیل حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و نظایر اینها، در مواردی هم‌پوشانی و در موارد معدودی تعارض صوری داشتند. از این رو لازم بود که

جلسات مشترکی برگزار و روندهای هر گروه بازخوانی شوند که ضمن اصلاح عنوان‌ها، درباره اینکه یک روند در کدام دسته قرار بگیرد، تصمیم نهایی گرفته شود. همچنین به‌منظور تبیین پابرجایی روند و علت تداوم یا قطع آن، علاوه بر توصیف روند، بخش شواهد و تحلیل پیشران‌ها، پابرجایی و پیامدها و نیز توصیه‌های مربوط به هریک از روندها نگارش شد. قابل ذکر است که برای اعتبارسنجی این تحلیل‌ها از پل خبرگی بهره گرفته شده است.

گام ۸. برآورد عوامل تحول‌ساز

در گام بعدی، عوامل تحول‌ساز روند (برگرفته از مفهوم تغییردهنده بازی^۸) بررسی گردیدند. منظور از عامل تحول‌ساز، عنصر یا عاملی است که قابلیت ایجاد تحول در روندها و محیط منطقه را به شکل قابل توجهی داشته باشد. عوامل تحول‌ساز را می‌توان به دو دسته عوامل مثبت و منفی تقسیم‌بندی کرد. عوامل تحول‌ساز مثبت فرصت‌آفرین و عوامل منفی تهدیدکننده هستند. احصای این عوامل در دو مرحله انجام شده است. در ابتدا فهرستی طولانی از عوامل تحول‌ساز براساس پیشنهاد پژوهشگران موضوعی (سیاسی، اقتصادی و ...) تهیه شده و سپس موارد پیشنهادی در نشست خبرگی مشترک پالایش شدند تا مهم‌ترین عوامل باورپذیر انتخاب شوند.

گام ۹. ترسیم آینده‌های بدیل

ترسیم تصویر آینده از الزامات روندپژوهی است. با این حال تداوم روندها فقط یک تصویر اصلی را ترسیم می‌کند؛ اما ممکن و متصور است که همه روندها تداوم نیابند و پیدایش عامل تحول‌سازی سبب تغییر یک یا چند روند مهم بشود. این امکان، نیاز به ترسیم آینده‌های بدیل را آشکار می‌سازد. از این رو ضمن تحلیل و بررسی عوامل تحول‌ساز که در گام پیشین احصاء شده بود، یکی از آنها برای ترسیم تصویر دوم استفاده شد. برای ترسیم تصویر آینده، از روایت متنی (داستان) استفاده شده است. متن مورد نظر نیز براساس روندها نوشته شده و برای این منظور، جدولی از عناوین همه روندهای جهانی و منطقه‌ای تهیه گردید و با جای نشانی هریک از آنها در تصویر آینده، متنی آماده شد که از همه روندها بهره گرفته باشد. در مورد تصویر دوم که متأثر از عامل تحول‌ساز است، کلان‌روندهای متأثر از آن عامل علامت‌گذاری شدند تا نقش آنها در تصویر آینده متفاوت با تصویر اول باشد.

گام ۱۰. توصیه‌نگاری

آینده‌پژوهی باید بر تصمیم‌های کلان اثر بگذارد. تمام مسیر پژوهش پشتوانه‌ای ایجاد کرد که بتوان اثری نو بر سیاست‌ها و راهبردها و طرح‌های کلان گذاشت، اثری که متکی بر شواهد متقن و گمان‌های معتبر باشد. از این‌رو با تجمیع توصیه‌های ذیل هر روند و با نگاه ویژه به عوامل تحول‌ساز و تصویرهای ترسیم‌شده از آینده منطقه، توصیه‌های راهبردی تدوین شدند. این توصیه‌ها نیز ابتدا در کارگروه پژوهشی و سپس با پنل خبرگی به بحث گذاشته شدند تا انسجام و اعتبار آنها بررسی و تقویت شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این فرایند روندپژوهی، در مجموع نزدیک به ۵۰۰ روند از گزارش‌های راهبردی مراکز علمی و پژوهشی خارجی در مخزن روند گردآوری و این روندها در دو سطح جهانی و منطقه‌ای تفکیک گردیدند. از این مخزن شماری کلان‌روند جهانی و تعدادی روند منطقه‌ای برداشت و استنباط شد که در جدول (۲) شمار این روندها بیان شده است.

جدول ۲. شمار روندها در گزارش نهایی پژوهش

منطقه‌ای	جهانی	عرصه/سطح
۷	۴	کلان‌روندهای امنیتی
۸	۴	کلان‌روندهای سیاسی
۹	۴	کلان‌روندهای فرهنگی
۷	۴	کلان‌روندهای اقتصادی
۷	۶	کلان‌روندهای محیط زیستی
۸	۵	کلان‌روندهای علم و فناوری
۴۶	۲۳	مجموع

در مرحله ایده‌پردازی درباره تحول‌سازها، ابتدا ۵۰ عامل تحول‌ساز توسط کارشناسان و خبرگان مطرح شد که با پالایش آنها نهایتاً ۹ مورد برتر منظور شده و مورد بحث قرار گرفتند. برای کاهش پیچیدگی محصول نهایی، با عنایت به یک مورد از این تحول‌سازها، دو آینده بدیل نگاشته شد که یکی تداوم روندهای موجود و دیگری محصول تحول یادشده بوده است.

در هر حال گام‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش می‌توانند مسیر مناسبی برای طراحی فرایند روندپژوهی و ترسیم دورنمای منطقه غرب آسیا را فراهم نمایند و با استفاده از راهکار روشی

مطرح شده در این پژوهش، می‌توان به اهداف پژوهش دست یافته و روندهای آینده و مؤثر در مناسبات منطقه را شناسایی نمود. همچنین این گام‌ها قابلیت آن را دارند که برای موضوعات دیگر نیز به کار گرفته شوند و با کمک روندهای مؤثر بر آینده آن موضوع، امکان تصویرسازی و تصویرپردازی پیرامون آینده موضوع مدنظر فراهم شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، سید شمس‌الدین و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶ (۲۴)، ۲۱۴-۱۹۱.
- بختیاری، هوشنگ؛ واثق، محمود؛ کامران، حسن و رامشت، محمدحسین (۱۴۰۲). بررسی ابعاد و زمینه‌های اتحاد راهبردی کشورها و جنبش‌های محور مقاومت. *فصلنامه علمی جغرافیا*، ۲۱ (۷۶)، ۱-۱۸.
- بوداقتی، جمال؛ خلیلی، محسن و حیدری، اکبر (۱۴۰۰). روندپژوهی تاریخی و آینده‌فدرالیسم عراق. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۷ (۶۱)، ۸۴-۱۱۵.
- پدارم، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی (۱۳۹۴). آموزه‌ها و آزموده‌های آینده‌پژوهی. تهران، موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- جان‌پرور، محسن؛ قربانی سپهر، آرش و روزبه، فرشید (۱۴۰۰). تبیین نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه غرب آسیا. *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ح.ا.ایران*، ۵ (۲)، ۳۱-۶۲.
- حیدری‌فر، محمد رؤف (۱۳۹۹). ساختار چندقطبی و معادلات جدید منطقه غرب آسیا در سلسله‌مراتب روابط ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم (درس‌هایی از خاورمیانه). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲ (۴)، ۶۷۵-۷۰۶.
- رستمی، محسن؛ مدبر، لایلا و خلیلی باصری، محسن (۱۳۹۸). رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار در بحران‌های ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۱ (۲)، ۱۶-۴۳.
- سلیمی، حسین و شریعتی، مجتبی (۱۳۹۳). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه. *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۸۹.
- عیوضی، محمدرحیم و قاسمی، محمدهادی (۱۴۰۱). چرایی و پیدایی محور مقاومت و تحلیل ساختاری مسائل مرتبط از منظر آینده‌نگاری راهبردی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۴ (۲)، ۱۹۴-۲۲۶.
- عیوضی، محمدرحیم و میرحسینی، فرشته (۱۳۹۸). سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰. *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۲ (۸۳)، ۱۶۹-۱۴۳.
- کوشکی، محمدصادق و نبوی، سید مهدی (۱۳۹۹). آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی. *فصلنامه اندیشه تقرب*، ۳۹، ۱۴۶-۱۲۳.
- گلشنی، علیرضا و سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳). نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۶ (۱۸)، ۸۱-۱۱۷.
- مولایی، محمدمهد؛ طالبیان، حامد و قراری، فریما (۱۳۹۶). تحلیل ساختاری به روش میک مک در آینده‌نگاری راهبردی. *دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران*، ۲ (۱).
- نعمتی، محمدرضا و رحیمی، حسن (۱۳۹۲). بررسی تنگناهای ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غربی آسیا و اثرات آن بر کشورهای منطقه. همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، دانشگاه پیام نور واحد طالقان استان البرز.

- نوروزی، محسن و عله‌پور، مهرداد (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی رویکردهای ایالات متحده و چین در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳ (۳)، ۵۳۳-۵۷۰.
- نوروزی، محسن و فیاضی، داوود (۱۴۰۰). امنیت غرب آسیا و سناریوهای محتمل در افق ۱۴۰۴. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۹ (۴)، ۶۳-۹۶.
- نوروزی، محسن؛ فیاضی، داوود و سیف، حامد (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی عراق و لبنان. *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۹ (۲)، ۱۱۵-۱۴۳.
- یعقوبی، سامره؛ عزت‌اله و رومینا، ابراهیم (۱۳۹۹). شناسایی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی در منطقه جنوب غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳ (۳)، ۲۲۹-۲۵۵.

(ب) منابع انگلیسی

- Gelenn, Jerome C. & Gordon, Theodore J. (2009). *Futures Research Methodology - Version 3.0*. UN Millennium Project.
- Gelman, Andrew. Hill, Jennifer & Yajima, Masanao. (2012). Why We (Usually) Don't Have to Worry About Multiple Comparisons. *Journal of Research on Educational Effectiveness*, 5:2, 189-211, DOI: 10.1080/19345747.2011.618213.
- Gordon, Theodore. (1994), *Trend Impact Analysis*. AC/UNU Millennium project.
- Inayatullah, Sohail & Song, Mei-Mei. (2014). Visions and scenarios of democratic governance in Asia 2030. *Futures*, Volume 60, Pages 1-13, ISSN 0016-3287, <https://doi.org/10.1016/j.futures.2014.02.001>.
- Litvak, Meir. Landau, Emily B. & Kam, Ephraim. (2018). *Iran in a Changing Strategic Environment*. Institute for National Security Studies, Memorandum 173.
- Salavatian, H. (2015). Iran and Saudi Arabia: the dilemma of security, the balance of threat. *Journal of Scientific Research and Development*, 2 (2): 141-149.

(پ) سایتهای اینترنتی

- UN. (2022). *The 2022 Revision of World Population Prospects*. available at: <https://population.un.org/wpp/>